

بی‌نیازی
برنامه ۹۶۳

من جز احد صمد نخواهم
من جز ملک ابد نخواهم
مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸
صمد یعنی بی‌نیاز. بی‌نیازی از صفات خداوندست.

آیا این بی‌نیازی ما را به یاد‌گدایی که سالها بر روی صندوقچه پراز طلا نشسته بود و از جهان بیرون‌گدایی می‌کرد نمی‌اندازد؟

انسان‌گدایی شده که بیشتر عمر خود را به سمت پول، مقام، همسر و خلاصه هر همانندگی بی‌ارزشی دیگری دست‌دراز کرده، و از آنها می‌خواهد که لقمه‌ای، تائید و توجه بگیرد.

اما روزی مولانا در حین عبور با اصرار زیاد به ما می‌گوید، که لحظه‌ای درون صندوقچه دلت را باز کن و ببین بر روی چه گنج حضوری نشسته‌ای!

و باز این بی‌نیازی من را بیاد سوره اخلاص انداخت.

(قرآن کریم؛ سوره اخلاص (۱۱۲)، آیه ۴-۱)
-«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

-«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»
بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست.

من جز احد صمد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

-«اللَّهُ الصَّمَدُ»
آن‌خدایی که (از همه عالم) بی‌نیاز (و همه عالم به او نیازمند) است.

من جز احد صمد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

-«لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»
نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است.

من جز احد صمد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

-«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»
و نه هیچ‌کس مثل و مانند و همتای اوست.

من جز احد صمد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

وقتی این نیم‌بیت را با خودم تکرار میکردم، لحظه‌ی متوجه شدم که، باشنده‌ای درونم می‌گفت، من همه چیز می‌خواهم.

من جز احد صمد نخواهم
من جز ملک ابد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

اما مولانا می‌گوید برای خلاصی از این باشنده، باید زیر مشتمت ولگد بی‌مرادی‌ها بروی، و ناله و شکایت هم نکنی.

من مایه باده‌ام چو انگور
جز ضربت و جز لگد نخواهم
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

انگور بعد از صبر و تحمل زیاد، زیر لگدهای کوبنده، تبدیل به شرابی ناب و مست کننده می‌شود. بی‌مرادی قلاووز و راهنمای بهشت ابدی این لحظه می‌شود.

ما نیز با بی‌مرادی، صبر و درد هوشیارانه، بالاخره روزی خواهد رسید که من ذهنی را رها کنیم و بگوییم...

" جز ضربت و جز لگد نخواهم "
-مولوی، مثنوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

چراکه،

" من جز احد صمد نخواهم "
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۱۵۷۸

انشاءالله

با سپاس فریده از هلند 